

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

در ادامه کلام **محقق اصفهانی** و نقد کلام ایشان عرض کردیم، قسم سومى از شرائط داریم با اینکه شرطیت اینها از ادله استفاده می شود ولی تعریف **محقق اصفهانی** بر اینگونه شرائط صادق نیست بلکه احتمالا یا اطمینانا اینها در اصل غرض مولا دخیل هستند.

مثلا مولا می گوید «**عتق رقبة مؤمنة**»، «**اد الخمس الى الفقير الهاشمی**» قید ایمان در رقبه، قید هاشمی برای فقیر، عرض عارض بر معروض است، ولی این قید دخیل در اصل غرض است، نه اینکه فقط سبب فعلیت غرض شود، نه اصلا، خود قید ایمان و خود قید هاشمی دخیل در غرض است با اینکه قید و شرط است. لذا تعریف **محقق اصفهانی** در شرط ماده نقض دارد، حالا تعریف شرط چگونه است شرعا که همه این شرائط را شامل شود؟ میحث اصلی آن در مقدمه واجب است، فعلا در مرحله اول بحث کلام **محقق اصفهانی** را اشاره کردیم که ایشان فرمودند شک در شرط برمی گردد به یقین به وجوب نفسی، شک در وجوب غیرى اصل برائت از وجوب غیرى جاری می کنیم.^۲

مرحله دوم این است که ما عرض می کنیم در شرائط چه شرطی باشد که وجودش خارج از مشروط و غیر از مشروط باشد چه عرض عارض بر معروض باشد چه دخیل در غرض باشد و چه سبب فعلیت غرض بشود، اگر شک در وجوب شرط داشتیم، اصل برائت جاری است ولی به آن بیانی که **محقق خوئی** در اجزاء خارجی داشتند و آن بیان را ما آنجا رد کردیم و قبول نکردیم ولی آن بیان کاملا اینجا جاری است.

توضیح مطلب: اینجا بدون شبهه شک ما در اطلاق و اشتراط است، نمی دانم آیا مولا قید ایمان را در وجوب عتق رقبه اخذ کرده یا نه؟ شک دارم آیا مولا «**عتق رقبة**» را مطلق ذکر کرده است یا با قید اشتراط رقبه به ایمان؟ دوران امر بین اطلاق و اشتراط است، نسبت به اطلاق اصل برائت معنا ندارد، جریان برائت در مقام امتنان بر مکلف است، جریان برائت برای رفع تکلیف است، اطلاق خودش رهایی و آزادی است لذا اصل برائت از اطلاق که معنا ندارد و قابل جریان نیست، ما اصل برائت از اشتراط رقبه به ایمان را مطرح می کنیم و نتیجه می گیریم در شک در قید زائد برائت عقلی و نقلی از وجوب این قید زائد جاری می شود. **محقق عراقی** در **نهایة الافکار** ج ۳ ص ۳۹۹ اینجا یک تفصیلی مطرح می کنند که شرط مشکوک دو قسم است و در یک قسم برائت جاری است و در یک قسم آن احتیاط جاری است. ما در دوره قبل کلام **محقق عراقی** را به تفصیل ذکر کردیم و دو جواب حلی و نقضی بیان کردیم و تفصیل **محقق عراقی** را قبول نکردیم.^۳

۱ - جلسه ۹۷ - مسلسل ۲۱۵ - یکشنبه - ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

۲ - نهایة الذرایة فی شرح الکفایة جلد : ۴ صفحه : ۳۲۹ : «والتحقیق : أن کل خصوصية لیست شرطا فی قبال الجزء ، بل کما مر مرارا أن ذات ما یفی بالغرض هو المقتضى بسیطا کان أو مرکبا ، غاية الأمر أنه إذا کان مرکبا کان ما یألف منه المركب کل واحد منه موصوفا بأنه بعض ما یفی بالغرض ، أو بعض المطلوب بلحاظ مقام جعل الطلب. ثم إن المقتضى أو أجزاءه : ربما یكون أمرا خاصا ، فالخاص هو المقتضى لا أنه خصوصية واردة على المقتضى أو یكون الجزء أمرا خاصا ، فیکون الخاص بعض ما یفی بالغرض ، لا أن الخصوصية واردة على الجزء المفروق عن جزئیته. فمثل هذه الخصوصية مقوم الجزء ، ولا یستحق إطلاق الشرط المقابل للجزء علیها. وربما تكون الخصوصية دخيلة فی فعلية تأثير المقتضى البسيط أو المركب ، ومثلها تسمى بالشرط ، لأن الشرط حقيقة إما من مصححات فاعلية الفاعل أو من متممات قابلية القابل ، فلا محالة له دخل إما فی طرف المؤثر أو فی طرف المتأثر ، والتقید الخطابي على طبق التقید الواقعي ، فالاناطة لیست جزافية. إذا عرفت اختلاف الخصوصیات بحسب المقامات ، فاعلم أن التقید المقوم للجزء مقوم للمطلوب بالطلب النفسی المنبسط علیه ، وحاله ما عرفت مفصلا. وأما التقید الذي له دخل فی فعلية التأثير ، فغیر مطلوب بعین الطلب النفسی ، بداهة أن الغرض لا يدعو إلا إلى ما یقوم به ، وما یفی به ، وأما ما له دخل فی ترتب الغرض على ما یقوم به ، فهو مراد بارادة منبعثة عن إرادة متعلقة بنفس المقتضى المنبعثة عن الغرض القائم به ، فمثل هذه الخصوصية مطلوب بطلب مقدمی منبعث عن طلب نفسی. فمرجع الشك فی الشرطية الحقيقية إلى الشك فی طلب غیرى مستقل ، منبعث عن طلب نفسی ، والانحلال فیہ لیس فیہ مجال الاشکال.

۳ - الحاقی از دوره گذشته اصول - تفصیل محقق عراقی - تاریخ ۲ خرداد ۱۳۸۸ - تفصیل محقق عراقی در مسأله محقق عراقی در نهایة الافکار ۳/۳۹۹ در شرط مشکوک یک تفصیلی قائل شده اند. فرموده اند شرط مشکوک دو قسم است که در یک قسم اصل برائت جاری است در قسم دیگر احتیاط واجب است. قبل از بیان تفصیل ایشان مقدمه ای اشاره می کنیم.

مقدمه: تقسیم شرط مشکوک به دو قسم

قسم اول: گاهی ایجاد شرط مشکوک در ماده اقل ممکن است و به عبارت دیگر تحول اقل بنفسه به اکثر امکان دارد. مثل قید ایمان نسبت به رقبه، رقبه کافر اقل است و قید ایمان ندارد اما تحول او به اکثر ممکن است که شهادتین بگوید و تبدیل به مؤمنه شود. قسم دوم: تحول اقل به اکثر در خارج ممکن نیست. مثلاً نمی دانم در زکات فطره آیا به فقیری که می خواهد زکات فطره بدهد قید هاشمی در آن فقیر دخالت ندارد یا نه؟ اینجا شک در اقل و اکثر است ولی در این قسم تحول اقل به اکثر در خارج ممکن نیست. که فقیر غیر هاشمی، هاشمی شود. نتیجه مقدمه: گاهی در شرط مشکوک تحول ماده اقل به اکثر ممکن است و گاهی تحول ماده اقل به اکثر غیر ممکن است.

تفصیل محقق عراقی در شرط مشکوک

تا اینجا در مقام دوم از اقل و اکثر ارتباطی که شک در قید زائد است این قید زائد وجود مستقل دارد یا عرض عارض بر معروض است، در این دو قسم هم برائت عقلی و نقلی جاری است.

مقام سوم: اقل و اکثر ارتباطی، شک در قید زائدی که فصل مقوم است

مقام سوم: در اقل و اکثر ارتباطی شک در قید زائد است، ولی این قید زائد فصل مقوم است، مثال زدیم روز عید قربان شک دارد، آیا مولا گفته «**ذبح حیوانا**» یک کبوتر یا یک شتر ذبح کند یا نه فرموده «**ذبح غنما**»؟ که فصل مقویت حیوانیت در غنم، غنمیت است آیا مولا وجوب را بر جنس متعلق کرده است یا نه وجوب از جنس بر فصل سرایت کرده است؟ اینجا **محقق خراسانی** طبق مشی خودشان اشکال می کنند که اینجا دوران امر بین متباینین می شود با بیانات گذشته در مقام دوم، لذا برائت عقلی جاری نیست. با همان توضیحات روشن می شود اینجا هم تعلق تکلیف به جنس مسلم است، نسبت به فصل مقوم یا نوع در شرطیت او شک داریم برائت جاری می شود. برائت از اطلاق جاری نمی شود و برائت از قید و اشتراط جاری می شود.

مقام چهارم: دوران امر بین تعیین و تخییر

مقام چهارم: دوران امر بین تعیین و تخییر است، نمی دانم آیا نماز جمعه معینا بر من واجب شده روز جمعه یا نه نماز جمعه مخیرا بین نماز جمعه و نماز ظهر واجب شده است؟ دوران امر بین تعیین و تخییر سه فرد دارد، یا دوران امر بین تعیین و تخییر در حکم واقعی است یا در حکم ظاهری است یا دوران امر بین تعیین و تخییر در مقام امتثال است، ما این مقام چهارم را در مبحث تقلید در بحث تقلید اعلم به تفصیل اشاره خواهیم کرد و اینجا اشاره نمی کنیم.

مقدمه ای ذکر شد که شرط مشکوک بر دو قسم است. گاهی در ضمن اقل، آن شرط مشکوک قابل ایجاد است و اقل قابل تحول به اکثر است، مثل قید ایمان و رقبه و گاهی تحول اقل به اکثر در خارج ممکن نیست، مثل قید هاشمیت در فقیر. محقق عراقی می فرماید اگر شرط مشکوک از قسم اول باشد جریان اصل برائت در اکثر مشکلی ندارد. زیرا در مواردی که تحول اقل به اکثر ممکن است در حقیقت شک ما به اینگونه است که می دانم این فرد اقل ذات رقبه در خارج حکم به آن تعلق گرفته است، شک دارم آیا شرط وجوب عتق او، ضم ضمیمه است به او و تحول اوست یا نه؟ در این مورد اقل و اکثر شکل می گیرد. به این معنا که یقین دارم یا این رقبه کافر واجب العتق است یا یک ضم ضمیمه ای به او که تحول اوست و تبدیل شدنش به رقبه مؤمنه لازم است. ضم ضمیمه به او امر زائد است، یقین به او ندارم اصل برائت از ضم ضمیمه جاری می کنم و می گویم ضم ضمیمه و تحول به رقبه مؤمنه لازم نیست و اصل برائت جاری است.

اما اگر شرط مشکوک قسم دوم باشد، یعنی اقل قابل تحول به اکثر نباشد. محقق عراقی می فرماید در این صورت اقل و اکثر ما برمی گردد و متباینین می شود و احتیاط واجب است. زیرا در اینجا نمی توانم چنین تصویر کنم که اعطاء زکات به این فقیر لازم است، نمی دانم در اعطاء زکات، تحولش به هاشمی لازم است یا شرط تحول ندارد علت عدم این تصویر این است که تحول غیر هاشمی به هاشمی معنا ندارد. این انقلاب در ذات است و انقلاب در ذات هم نمی شود.

نتیجه: در اینجا چون تحول اقل به اکثر امکان ندارد. محقق عراقی می فرماید اینجا همیشه شک ما، دوران امر بین متباینین می شود. به این معنا که من می دانم برای اعطاء زکات فطره یا به زید، دادن زکات فطره مجزی است که غیر هاشمی است یا نه اعطاء زکات فطره سید به عمرو که هاشمی است باید باشد، اینجا دوران امر بین متباینین است و باید احتیاط کرد و زکات فطره را به هاشمی داد.

نقد تفصیل محقق عراقی (جواب نقضی)

عرض می کنیم این تفصیل به نظر ما صحیح نیست. زیرا از محقق عراقی سوال می کنیم اینکه در قسم اول شرط مشکوک به اقل و اکثر برمی گشت و در قسم دوم شما به متباینین ارجاع دادید. آیا نگاه شما به مرحله جعل حکم از سوی مولی است یا نگاه به مرحله امتثال مکلف است؟ در هر دو مرحله بین این دو قسم شرط تفاوتی نیست.

اما در مرحله جعل، مولی لحاظ می کند متعلق را و حکم بر آن بار می کند. در مرحله جعل ما نمی دانیم آیا مولی وجوب عتق را به ذات رقبه بار کرده است یا رقبه با قید ایمان، از قید ایمان برائت جاری می کنیم. همین نگاه بدون تفاوت در قسم دوم وجود دارد. نمی دانیم آیا مولی وجوب زکات فطره سید را به مطلق فقیر بار کرده است یا به فقیر با قید هاشمی، در قید زائد شک داریم اصل برائت جاری می کنیم. در مرحله جعل حکم این دو با هم فرقی ندارند.

در مرحله امتثال هم اگر شما قسم دوم را به متباینین برمی گردانید، قسم اول هم به متباینین برمی گردد. پس در هر دو قسم باید قائل به احتیاط باشید.

بیان مطلب

شما گفتید در خارج یک فقیر عام داریم و یک فقیر سید، شک داریم زکات فطره به عام داده شود کافی است یا حتماً باید به سید داده شود و باید احتیاط کنیم.

عین این نگاه در قسم اول هم موجود است. رقبه ای داریم کافر و رقبه ای داریم مؤمن، شک داریم آیا با عتق زید که رقبه کافر است وظیفه اتیان شده است یا عتق رقبه مؤمنه مسقط وظیفه است. همان نگاه که در قید هاشمی بود، در قید ایمان هم نسبت به رقبه همان دوران درست شد. لذا اگر شما فکر کرده اید در مقام امتثال قسم دوم می شود دوران بین متباینین نه قسم اول، با این نگاه شما در قسم اول هم دوران بین متباینین فرض می شود و باید احتیاط کرد.

جواب حلی به محقق عراقی

در مرحله جعل حکم که در حقیقت وظیفه ما را هم در مقام امتثال، جعل حکم مشخص می کند، در هر دو قسم یقین به تعلق تکلیف به ذات داریم چه ذات رقبه و چه ذات فقیر، شک در قیدیت ایمان و قیدیت هاشمیت داریم، شک در قید زائد اصل برائت از آن جاری می شود، مرحله امتثال را هم نتیجه می گیریم نه قید ایمان و عتق رقبه مؤمنه لازم است و نه اعطاء زکات به فقیر هاشمی لازم است.

با ذکر این مطلب مقامات چهارگانه در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی تمام می‌شود. ما در سال گذشته بحث اصل اشتغال را وارد شدیم که سه بحث عمده داشت، دوران امر بین متباینین، اقل و اکثر استقلال و اقل و اکثر ارتباطی، اصل مباحث اقل و اکثر تمام می‌شود دو مطلب مهم باقی مانده است که حتما باید بعدا وارد شویم.

مطلب اول: ذیل بحث اقل و اکثر اصولیین تنبیهاتی را ذکر می‌کنند که این تنبیهات بسیار اثر فقهی دارد. مثلا اگر یقین به جزئیت و شک در رکنیت دارم، یقین دارم قیام متصل به رکوع جزء نماز است شک دارم رکن است یا نه. یک تنبیه هم زیادی جزء در مرکب است. یک تنبیه این است که اگر جزء یا شرطی متعذر شد آیا اتیان بقیه لازم است یا نه؟ یک تنبیه هم شک در جزئیت و مانعیت است. اینها مباحثی است که در فقه کاربرد دارد که باید به تفصیل بحث کنیم.

مطلب دوم: محقق خراسانی و اصولیین اینجا یک خاتمه‌ای دارند تحت عنوان «**خاتمه فی شرائط جریان اصول** **العملیه**» است در حقیقت اصل این بحث بعد از استصحاب است ولی اصولیین در پایان اصل اشتغال شرائط جریان اصولی عملی را مطرح می‌کنند که مباحث بسیار پرکاربرد است. این دو مطلب به شرط حیات در سال آینده خواهد آمد ان شاء الله.